

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پاداش و پادافراه در شاهنامه و مثنوی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

مهدی افراسیابی

استاد راهنما:

دکتر احمد امین

استاد مشاور:

دکتر سید جمال الدین مرتضوی

۱۳۸۶

۱۰۶۰۲۱



دانشگاه شاهرود

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد آقای مهدی افراسیابی

تحت عنوان:

پاداش و پادافراه در شاهنامه و مثنوی

کتابخانه ادبیات و علوم انسانی

۱۳۸۷ / ۱۹ / ۲۳

در تاریخ ۱۸/۱۲/۸۶ توسط کمیته تخصصی زیر بررسی و با درجه عالی و نمره ۱۹ مورد تصویب نهایی قرار گرفت.

۱۳۸۷ / ۱۹ / ۲۳

دکتر احمد امین

۱. استاد راهنمای پایان نامه

دکتر سید جمال اللین مرتضوی

۲. استاد مشاور پایان نامه

دکتر منصور میرزانی

۳. استاد داور

دکتر محمد رضا نصر اصفهانی

۴. استاد داور

دکتر جهانگیر صفری

رئیس تحصیلات تکمیلی دانشکده

سپاس بی دریغ خود را نثار کسانی می کنم که به من علم و ادب را آموختند. استادان گران مایه ای که حقی بزرگ بر من دارند آنان که در دانشگاه شهر کرد افتخار شاگردی ایشان را داشته ام.

پیش از همه از استاد فرهیخته و بزرگوارم، دکتر احمد امین که راهنمایی این رساله را پذیرفتند سپاسگزاری می کنم.

سپاس از استاد گران قدرم، دکتر سید جمال الدین مرتضوی که در نگارش این رساله از مشاوره ی ایشان استفاده کردم.

همچنین از استاد فرزانه و فاضلم، دکتر جهانگیر صفری که مرا به ادامه تحصیل تشویق کردند و کتابخانه شخصی خویش را در اختیارم قرار دادند و همواره نگران آینده ام بودند، بسیار سپاسگزاری می کنم.

از استاد نکته دانم، دکتر علی محمدی که در تمام مدت تحصیل افتخار شاگردی اش را داشته ام، نهایت سپاس را دارم.

از استاد مهربان و ارجمندم، دکتر سید کاظم موسوی که همیشه یاری ام می نمود بسیار سپاسگزاری می کنم.

از استاد عزیز و گرامی ام، دکتر منصور میرزانی که در محضرش بسیار آموختم، تقدیر و تشکر می کنم.

همچنین از دوست مهربانم، مهندس مصطفی خزائی که بی هیچ مزد و منت مرا شرمسار زحمتهای خود نمود، سپاسگزارم.

در پایان از دوستان بسیار عزیزم، آقایان کاظم یوسف زاده، حبیب الله عباسعلی پور، محمد زمانیان، سید صادق موسوی، بهرام حسین زاده، رضا لاله زاری، علی جلالی، وحید بازوبندی و نیز از دکتر علی حاج زمانی تقدیر و تشکر می نمایم.

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع
این پایان نامه متعلق به دانشگاه شهر کرد است.

تقدیم بہ پدرم !

او کہ با تمام خضوع در برابر شکوہش سرفرومی آورم و آرزوی بجز صحت و سلامتش ندارم

و

تقدیم بہ دستان پر مہر مادرم

کہ ہمہ چیز خود را از او دارم

فهرست مطالب

فصل اول

۱	مقدمه.....
۳	۱-۱- پاداش و پادافراه.....
۴	۱-۱-۱- پاداش و پادافراه قراردادی.....
۴	۱-۱-۲- پاداش و پادافراه طبیعی.....
۴	۱-۱-۳- پاداش و پادافراه اخروی.....
۶	۲-۱- پیشینه‌ی تحقیق.....
۷	۳-۱- روش تحقیق.....

فصل دوم

۸	پاداش و پادافراه در شاهنامه.....
۸	۱-۲- دیدگاه فردوسی.....
۱۱	۲-۲- ارتباط اختیار با پاداش و پادافراه.....
۱۲	۳-۲- پاداش قراردادی.....
۱۳	۱-۳-۲- خدمت شایسته.....
۱۶	۲-۳-۲- دلیری و جان فشانی در جنگ.....
۲۰	۳-۳-۲- مهمان نوازی.....
۲۱	۴-۳-۲- خردمندی و دانایی.....
۲۳	۴-۲- پادافراه قراردادی.....
۲۴	۱-۴-۲- دست درازی.....
۲۴	۱-۱-۴-۲- دست درازی بر جان و سرزمین.....
۳۹	۲-۱-۴-۲- دست درازی به پردگیان.....
۴۲	۳-۱-۴-۲- دست یازی به مال و خواسته‌ی دیگران.....
۴۵	۲-۴-۲- غفلت و کوتاهی در جنگ.....
۴۷	۳-۴-۲- ستم کارداران بر مردم.....
۵۲	۴-۴-۲- دست و دل بستگی.....
۵۵	۵-۴-۲- انبارداری (احتکار).....
۵۶	۶-۴-۲- دعوی پیغمبری.....
۵۸	۵-۲- پاداش طبیعی و مصداقهای آن.....
۶۰	۶-۲- پادافراه طبیعی.....
۶۰	۱-۶-۲- بی خردی.....
۶۴	۲-۶-۲- رشک.....
۶۶	۳-۶-۲- غرور و خودبینی.....
۶۷	۴-۶-۲- پیمان شکنی.....

- ۷۰ ۵-۶-۲- آز و فزون خواهی
- ۷۳ ۶-۶-۲- همراهی با بدان
- ۷۵ ۷-۶-۲- خامی و کارنادیدگی
- ۷۷ ۸-۶-۲- بیداد
- ۸۲ ۹-۶-۲- تند خوئی
- ۸۴ ۱۰-۶-۲- ریختن خون بی گناه
- ۸۸ ۱۱-۶-۲- دروغ و بد گوئی
- ۹۱ ۱۲-۶-۲- آه و نفرین
- ۹۲ ۷-۲- پاداش اخروی و مصداقهای آن
- ۹۵ ۸-۲- پادافراه اخروی
- ۹۶ ۱-۸-۲- خونریزی
- ۹۸ ۲-۸-۲- نافرمانی از شاه
- ۱۰۰ ۹-۲- کردارهایی که پادافراه را دور می کنند
- ۱۰۰ ۱-۹-۲- هنر و دانش
- ۱۰۱ ۲-۹-۲- توبه و بازگشت از گناه
- ۱۰۲ ۳-۹-۲- بخشش
- ۱۰۳ ۴-۹-۲- زینهار خواهی
- ۱۰۵ ۵-۹-۲- پرداخت باژ و خراج
- ۱۰۷ ۶-۹-۲- خواهشگری
- ۱۰۹ ۷-۹-۲- عشق
- ۱۱۰ ۸-۹-۲- نژادگی
- ۱۱۱ ۱۰-۲- خود زنی و مصداقهای آن
- فصل سوم**
- ۱۱۳ پاداش و پادافراه در مثنوی
- ۱۱۳ ۱-۳- دیدگاه مولانا
- ۱۱۵ ۲-۳- ارتباط اختیار با پاداش و پادافراه در اندیشه مولانا
- ۱۱۵ ۳-۳- پاداش قراردادی
- ۱۱۵ ۴-۳- پادافراه قراردادی
- ۱۱۹ ۵-۳- پاداش طبیعی
- ۱۲۰ ۱-۵-۳- صبر
- ۱۲۴ ۲-۵-۳- شکر
- ۱۲۵ ۳-۵-۳- فروتنی
- ۱۲۶ ۴-۵-۳- تضرع و زاری به درگاه حق

۱۲۸	۳-۵-۵-۵-صدق و راستی
۱۳۰	۳-۶-۵-۵-ادب
۱۳۱	۳-۷-۵-۵-خاموشی
۱۳۱	۳-۸-۵-۵-بخشش
۱۳۴	۳-۹-۵-۵-رنج و غم
۱۳۵	۳-۱۰-۵-۵-تأنی و دوراندیشی
۱۳۶	۳-۱۱-۵-۵-مشورت
۱۳۷	۳-۱۲-۵-۵-قناعت
۱۳۷	۳-۱۳-۵-۵-خوش خوئی
۱۳۸	۳-۱۴-۵-۵-نیکی به دیگران
۱۳۸	۳-۱۵-۵-۵-همنشینی با نیکان
۱۴۰	۳-۱۶-۵-۵-وفاداری و درست پیمانی
۱۴۱	۳-۱۷-۵-۵-دوری جستن از هوسها و تعلقات دنیوی
۱۴۳	۳-۱۸-۵-۵-خودشناسی
۱۴۴	۳-۱۹-۵-۵-عشق
۱۴۶	۳-۲۰-۵-۵-درد
۱۴۶	۳-۲۱-۵-۵-دعا
۱۴۸	۳-۲۲-۵-۵-نماز
۱۴۸	۳-۲۳-۵-۵-روزه
۱۴۹	۳-۲۴-۵-۵-ایمان
۱۵۰	۳-۲۵-۵-۵-علم
۱۵۰	۳-۲۶-۵-۵-انس با قرآن
۱۵۱	۳-۲۷-۵-۵-طهارت و پاکی روح
۱۵۲	۳-۲۸-۵-۵-لقمه‌ی حلال
۱۵۲	۳-۲۹-۵-۵-به کارگیری استعداد
۱۵۳	۳-۳۰-۵-۵-پیروی از پیر
۱۵۵	۳-۳۱-۵-۵-موت ارادی
۱۵۷	۳-۳۲-۵-۵-جهد و کوشش
۱۵۹	۳-۳۳-۵-۵-فقر
۱۵۹	۳-۳۴-۵-۵-پیروی از انبیاء
۱۶۰	۳-۳۵-۵-۵-بندگی
۱۶۱	۳-۳۶-۵-۵-ترک تقلید

- ۱۶۱.....۳-۵-۳۷-رضا و خرسندی
- ۱۶۱.....۳-۵-۳۸-مراقبه
- ۱۶۲.....۳-۵-۳۹-ریاضت
- ۱۶۳.....۳-۵-۴۰-حیرت
- ۱۶۳.....۳-۵-۴۱-خوف
- ۱۶۴.....۳-۵-۴۲-اندیشه‌ی نیک
- ۱۶۵.....۳-۵-۴۳-عادت نیک
- ۱۶۵.....۳-۵-۴۴-خوبیستن داری
- ۱۶۵.....۳-۵-۴۵-توسل به درگاه حق
- ۱۶۵.....۳-۵-۴۶-پرهیز از دروغ
- ۱۶۵.....۳-۵-۴۷-یاری درماندگان
- ۱۶۶.....۳-۵-۴۸-خردورزی
- ۱۶۷.....۳-۶-۱-پادافراه طبیعی
- ۱۶۹.....۳-۶-۱-غرور و خودبینی
- ۱۷۳.....۳-۶-۲-بی ادبی
- ۱۷۶.....۳-۶-۳-شهوة و هوسرانی
- ۱۷۷.....۳-۶-۴-رشک
- ۱۷۹.....۳-۶-۵-حرص و آرزو
- ۱۸۱.....۳-۶-۶-ناشکری
- ۱۸۲.....۳-۶-۷-حسن فروشی
- ۱۸۳.....۳-۶-۸-خلق و خوی بد
- ۱۸۴.....۳-۶-۹-زنا
- ۱۸۴.....۳-۶-۱۰-پیمان شکنی
- ۱۸۵.....۳-۶-۱۱-خونریزی
- ۱۸۶.....۳-۶-۱۲-بخل و حسد
- ۱۸۷.....۳-۶-۱۳-دنیا پرستی
- ۱۸۸.....۳-۶-۱۴-مکر
- ۱۸۹.....۳-۶-۱۵-لقمه حرام
- ۱۸۹.....۳-۶-۱۶-پرخوری
- ۱۹۰.....۳-۶-۱۷-تقلید
- ۱۹۱.....۳-۶-۱۸-پیروی از نفس
- ۱۹۱.....۳-۶-۱۹-چشم چرانی
- ۱۹۲.....۳-۶-۲۰-نفاق

- ۱۹۲..... جهل و بی‌خردی..... ۲۱-۶-۳
- ۱۹۴..... کفر..... ۲۲-۶-۳
- ۱۹۶..... سنت بد نهادن..... ۲۳-۶-۳
- ۱۹۶..... شهرت..... ۲۴-۶-۳
- ۱۹۶..... ظاهر بینی..... ۲۵-۶-۳
- ۱۹۷..... شادی..... ۲۶-۶-۳
- ۱۹۷..... ترک دعا و نیایش..... ۲۷-۶-۳
- ۱۹۷..... عجله..... ۲۸-۶-۳
- ۱۹۸..... یاری از غیر خدا..... ۲۹-۶-۳
- ۱۹۸..... دزدی..... ۳۰-۶-۳
- ۱۹۹..... تفرقه..... ۳۱-۶-۳
- ۱۹۹..... همشینی با بدان..... ۳۲-۶-۳
- ۲۰۱..... ظلم و بیداد..... ۳۳-۶-۳
- ۲۰۲..... نفرین..... ۳۴-۶-۳
- ۲۰۲..... دروغ..... ۳۵-۶-۳
- ۲۰۳..... غیبت..... ۳۶-۶-۳
- ۲۰۳..... عیب‌جویی..... ۳۷-۶-۳
- ۲۰۳..... سخن نابجا..... ۳۸-۶-۳
- ۲۰۴..... قیاس بی‌اساس..... ۳۹-۶-۳
- ۲۰۴..... ظن و گمان بد..... ۴۰-۶-۳
- ۲۰۵..... پاداش و پادافراه اخروی..... ۷-۳
- ۲۰۷..... ۱-۷-۳ پاداش اخروی..... ۱-۷-۳
- ۲۰۷..... ۱-۱-۷-۳ خردمندی..... ۱-۱-۷-۳
- ۲۰۷..... ۲-۱-۷-۳ وفاداری..... ۲-۱-۷-۳
- ۲۰۷..... ۳-۱-۷-۳ خودشناسی..... ۳-۱-۷-۳
- ۲۰۷..... ۴-۱-۷-۳ رنج و سختی..... ۴-۱-۷-۳
- ۲۰۸..... ۵-۱-۷-۳ صدق..... ۵-۱-۷-۳
- ۲۰۸..... ۶-۱-۷-۳ احسان..... ۶-۱-۷-۳
- ۲۰۸..... ۷-۱-۷-۳ عفو..... ۷-۱-۷-۳
- ۲۰۸..... ۸-۱-۷-۳ جود..... ۸-۱-۷-۳
- ۲۰۸..... ۹-۱-۷-۳ ترک مادیات..... ۹-۱-۷-۳
- ۲۰۸..... ۱۰-۱-۷-۳ ایمان..... ۱۰-۱-۷-۳
- ۲۰۹..... ۱۱-۱-۷-۳ علم..... ۱۱-۱-۷-۳
- ۲۰۹..... ۱۲-۱-۷-۳ گفتار نیک..... ۱۲-۱-۷-۳

۲۰۹	۳-۷-۱-۱۳- ترک شهوت
۲۰۹	۳-۷-۲- پادافراه اخروی
۲۱۰	۳-۷-۲-۱- ظلم
۲۱۰	۳-۷-۲-۲- حسد
۲۱۰	۳-۷-۲-۳- حرص
۲۱۰	۳-۷-۲-۴- خواهش های نفسانی
۲۱۰	۳-۷-۲-۵- خشم
۲۱۱	۳-۷-۲-۶- شهوت
۲۱۱	۳-۷-۲-۷- زنا
۲۱۱	۳-۷-۲-۸- خونریزی
۲۱۱	۳-۷-۲-۹- ناشکری
۲۱۱	۳-۷-۲-۱۰- حيله و نیرنگ
۲۱۱	۳-۷-۲-۱۱- نفاق
۲۱۲	۳-۷-۲-۱۲- شکمبارگی
۲۱۲	۳-۷-۲-۱۳- کینه توزی
۲۱۲	۳-۷-۲-۱۴- دزدی
۲۱۲	۳-۷-۲-۱۵- تن پروری
۲۱۲	۳-۷-۲-۱۶- غفلت از یاد خدا
۲۱۳	۳-۷-۲-۱۷- تناقض قول و عمل
۲۱۳	۳-۷-۲-۱۸- سخنان ناشایست
۲۱۴	نتیجه گیری
۲۱۷	منابع

چکیده

پاداش و پادافراه از بن‌مایه‌های اصلی ادب حماسی و عرفانی است و ریشه در باورهای کهن دارد. بر اساس این اصل عقلی-الهی هر کسی بهره و پیامد کارهای نیک و بد خویش را در هر دو گیتی باز می‌یابد. این موضوع در شاهنامه و مثنوی بازتاب گسترده یافته است و با توجه به همین ویژگی بنیادی است که جبر گرایی فردوسی و مولانا پذیرفتنی نیست. از سوی دیگر، به دلیل ساختار داستانی شاهنامه و مثنوی بسیاری از کردارها و گفتارهای شخصیت‌های این دو کتاب بر پایه اعتقاد به پاداش و پادافراه تفسیر و توجیه می‌شود. در این دو شاهکار گرانسنگ ادبی ما، سه گونه پاداش و پادافراه نمود یافته است؛ پاداش و پادافراه قراردادی، پاداش و پادافراه طبیعی، پاداش و پادافراه اخروی.

پاداش و پادافراه قراردادی که بر پایه پیمانهای همگانی است در شاهنامه به اقتضای روح حماسه نمود فراوان دارد. ولی در مثنوی به گونه‌ای گذرا به آن پرداخته شده است. پاداش و پادافراه طبیعی شالوده‌ی جهان بینی اساطیری و عرفانی را تشکیل می‌دهد و پیوند ژرف و ناگسستنی اندیشه فردوسی و مولانا را می‌نماید. این اصل اخلاقی در دیدگاه هر دو شاعر بر قانون علی و معلولی استوار است و بیانگر دین‌مداری و خرد گرایی آنان است. در واقع نگرشی که در این باره در مثنوی وجود دارد، ادامه تفکری است که در اساطیر و بویژه در شاهنامه پی‌ریزی شده است.

فردوسی و مولانا وجود رستاخیز و پاداش و پادافراه آن جهانی را نشانه‌ی داد آفریدگار می‌دانند و برآنند که کارهای نیک و بد آدمی پدید آورنده‌ی بهشت و دوزخ است و در آنجا پاداش و پادافراه جاودان و همیشگی است. با این تفاوت که فردوسی درباره‌ی ماهیت و چگونگی پاداش و پادافراه اخروی به طور کلی سخن می‌گوید و به جزئیات آن نمی‌پردازد ولی مولانا چگونگی آن را بیشتر توصیف می‌کند و براساس آموزه‌های دینی خود، تصویری از آن را به ذهن نزدیک می‌سازد. در جهان بینی این دو شاعر نامی، افزون بر کردار و گفتار، اندیشه نیز پاداش و پادافراه به همراه می‌آورد.

فصل اول

مقدمه

آدمی بر خلاف دیگر موجودات و مخلوقات، دارای عقل و آزادی اراده است و با برخورداری از همین اختیار است که یکی از دو راه نیک و بد را انتخاب می‌کند و رستگاری یا گمراهی خویش را رقم می‌زند. بدین ترتیب، انسان با داشتن اختیار، در قبال کارهایش مسوول شناخته می‌شود و آنگاه که به کاری دست می‌یازد و حتی زمانی که اندیشه‌ای را در ذهن و ضمیر خود می‌پرورد از نتیجه و پیامد منطقی آن بهره‌مند می‌شود. این اصل اخلاقی در اندیشه‌ی ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و ریشه در باورهای کهن دارد. در واقع اینکه هر عملی که از انسان سر می‌زند، پاداش یا پادافراهی در پی خواهد داشت از قدیم‌ترین مباحثی است که ذهن و اندیشه‌ی ایرانی بسیار به آن پرداخته است تا آنجا که ایرانیان آن را به عنوان یک اصل ایزدی گریز ناپذیر پذیرفته‌اند و به جلوه‌های گوناگون آن در زندگی خویش باوری استوار یافته‌اند.

بازتاب این باور در ادبیات ما بسیار گسترده است و شاعران بزرگ و توانایی چون فردوسی، ناصر خسرو، نظامی، سنایی، مولوی و حافظ که نمایندگان حقیقی فکر و اندیشه‌ی ایرانی هستند در این باره داد سخن داده‌اند و هر یک به سبک و سیاق خاص، اعتقاد راسخ خود و قوم ایرانی به این اصل اخلاقی را باز نموده‌اند به گونه‌ای که مساله‌ی پاداش و پادافراه از بن‌مایه‌های ادبیات فارسی به حساب می‌آید. در این میان فردوسی و مولانا در عظیم‌ترین شاهکارهای ادب فارسی یعنی شاهنامه و مثنوی، به شیوه‌ای نو و بدیع، این اصل اخلاقی را بازگو کرده‌اند و با تعابیر و تمثیلات زیبا و روح نواز، حقانیت آن را اثبات نموده‌اند.

سنگ بنای این اندیشه در ادبیات ما به وسیله ی فردوسی نهاده شده است «وقتی از شاهنامه صحبت در میان می آید، آنچه مورد بحث و داوری است یک کتاب یا یک شاعر نیست. یک ملت، یک فرهنگ و یک دنیا است» (زرین کوب، ۱۳۸۱، ص ۱۵۸) و درست آن است که فردوسی آرمان‌ها و آرزوهای قوم ایرانی را برای دستیابی به عدالت، نظم و امنیت به تصویر می کشد. اما این آرمان، آسان به دست نمی آید و نخستین لازمه ی آن این است که هر کسی با نتیجه ی اعمال خود روبرو شود. به تعبیری دیگر، برقراری عدالت در گرو آن است که نیکان برای کارهای شایسته خود پاداش بیابند و بدان به پادافره بدی گرفتار آیند. بنابراین در شاهنامه فردوسی که «آرایش حماسی از جهان بینی ایرانی است» (مختاری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱) پاداش و پادافره اساسی ترین بنیاد نظم و عدالت اجتماعی به حساب می آید. همچنین بر پایه ی این جهان بینی، همه اعمال ناشایسته اعم از آرزو، رشک، خودبینی، ناسپاسی، دروغ، ترس و ... مظهر بی عدالتی هستند و خویشکاری قهرمانان و پهلوانان نیکی آن است که برای زدودن این بدی ها بپاخیزند.

به طور کلی در شاهنامه پاداش و پادافره نتیجه ی کردار، گفتار و اندیشه ی شخصیت ها و قهرمانان است و این امری محتوم و اجتناب ناپذیر می نماید که از زندگی آدمیان جداشدنی نیست و حتی پس از مرگ نیز بر آنان نمودار خواهد شد. سرگذشت کسانی چون جمشید، ضحاک، سلم و تور، سیاوش و سودابه، رستم و شغاد و ... گواهی بر این سخن است و فرزانه ی توس بدین گونه آدمی را به اندیشه وامی دارد تا این سخن رسا را در گوش آویزد:

نگر تا چه کاری همان بدروی
سخن هرچه گویی همان بشنوی
(ج ۳، ص ۷، ب ۱۷)

از این رو بیشترین هراس انسان حماسی از نتیجه و پیامد کار خویش است و فردوسی به شیوه ی چشمگیری این ترس و هراس پاک را باز نموده است.

پیرسید در دل هراس از چه بیش
بدو گفت کز رنج و کردار خویش
(ج ۸، ص ۲۸۸، ب ۴۰۱۹)

نکته ای که نباید از نظر دور داشت این است که در شاهنامه «زمین و زمان و کوه و دریا و دد و دام و آسمان و تندر و آذرخش و توفان و خورشید و ماه و اختران، همه در رویدادها نقش دارند» (دوستخواه، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶) و این بدان معنا است که در اندیشه ی حماسی، همه موجودات و جمادات، فهم و شعور می یابند و در روند مکافات سهیم می شوند، چنانکه در نخستین کیفرخواهی همه ی موجودات کیومرث را یاری می کنند.

«دوران فردوسی، دوران حماسه بود و بعد از او دوران عرفان فرا رسید» (ندوشن، ۱۳۷۴، ص ۲۰) در این دوران نیز پاداش و پادافره از مباحث بنیادین اندیشه ی شاعران به شمار می رود. در شعر سنایی این موضوع از مقام رفیعی برخوردار است او حتی برای تصویرسازی های خود نیز از این مضمون بهره می برد:

چون بهشت و دوزخ است آن زلف و رخ

عرصه‌ی پاداش و پادافراه باد

(دیوان سنایی، ص ۸۴)

اما شیوه‌ی هنرمندانه و بسیار دلنشین مولانا و نیز نگرش دقیق و همه جانبه‌ی او در پرداختن به این موضوع، نه تنها حقانیت آن را بیش از پیش آشکار نموده بلکه بر جذابیت و جایگاه رفیع آن نیز افزوده است. در مکتب عرفانی مولانا، پاداش و پادافراه یا مکافات عمل از واقعیات و حقایق عالم شمرده می‌شود که عامه از درک اصل و حقیقت آن ناتوان هستند. با وجود این، همگان بر این اصل اخلاقی آگاه هستند. به همین دلیل بسیاری از رفتارهای آنان بر اساس امید به پاداش و بیم از کیفر توجیه و تفسیر می‌شود. مولانا به اصالت و بقای عمل اعتقاد دارد. او می‌گوید عمل تنها چیزی است که هرگز از آدمی جدا نمی‌شود و در هر دو گیتی دامنگیر او می‌گردد. از نظر مولانا نتیجه و پیامد عمل امری بسیار فراگیر و گسترده است که همه‌ی ابعاد زندگی را در بر می‌گیرد. حتی پدیده مرگ نیز تحت تاثیر آن است بدین صورت که در اثر عمل ناشایست، مرگ تلخ بر آدمی عارض می‌شود و چون عمل خوب و نیک باشد، مرگ نیز شیرین و گوارا می‌گردد و پس از مرگ نیز، هم جسم و هم روح در معرض پاداش و پادافراه قرار می‌گیرند. سخن آخر اینکه، پاداش و پادافراه در مکتب مولانا در نمودی برجسته به‌عنوان سنت اجتناب ناپذیر الهی که هرگز از مسیر حقیقی خود نمی‌گردد، مطرح است:

ز آنکه می‌بافی همه ساله بپوش	ز آنکه می‌کاری همه ساله بنوش
فعل توست این غصه‌های دم به دم	این بود معنی قد جفّ القلم
که نگردد سنت ما از رشد	نیک را نیکی بود بد راست بد
	(دفتر پنجم، ب ۳۱۸۱-۳۱۸۳)

جان کلام آنکه پاداش و پادافراه در شاهنامه و مثنوی نمود گسترده‌ای یافته است و در یک دسته‌بندی کلی به سه گونه‌ی قراردادی، طبیعی و اخروی تقسیم می‌شود.

۱-۱- پاداش و پادافراه

واژه‌ی پاداش در فارسی میانه به صورت Pātdahišn (پات دهشن) بوده و در فارسی نو به Pādāš (پاداش) بدل شده است. این واژه در طول تاریخ زبان فارسی بار معنایی خود را حفظ کرده است. در لغت نامه‌ی دهخدا ذیل واژه‌ی پاداش آمده است: پاداش. (۱) (از پهلوی پات دهشن مطلق جزا و مکافات. مرکب از دو جزء پات از اصل پثیتی و دهشن.) | | اجر، ثواب، مثوبه، شکم، شیان، سزا، اجرت، مزد و عوض و مکافات در جای نیکی. جزای خیر مقابل پادافراه و پادافره. واژه‌ی پادافراه نیز به لحاظ ساختاری دچار تحول شده است. سیر تحول آن از دوره‌ی باستان تا امروز بدین صورت بوده است: «pātufraš: فارسی میانه ترسانی Padifrāh، فارسی دری پادافراه» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۶). این واژه در دوره‌های زمانی مختلف به معنای مجازات و مکافات بدی به کار رفته است، با وجود این اکنون در زبان فارسی به کار نمی‌رود.

اما به طور کلی پاداش و پادافراه روندی است که به کردارهای نیک و بد آدمی تعلق می‌پذیرد و از آن به عنوان یک اصل اخلاقی یاد می‌شود که در فرهنگ و اندیشه‌ی بشر نقش چشمگیری داشته است. در ادامه نظری اجمالی به انواع پاداش و پادافراه می‌افکنیم. لازم به ذکر است که دسته‌بندی زیر برگرفته از نظریه‌ی مرتضی مطهری در کتاب «عدل الهی» است. (مطهری، ۱۳۷۵، ۲۰۱)

۱-۱-۱- پاداش و پادافراه قراردادی

این نوع پاداش و پادافراه بر پایه‌ی قراردادهای اجتماعی است که معمولاً به وسیله‌ی حاکمان الهی و غیر الهی تدوین و اجرا می‌شود و بنیاد برقراری نظم و اداره‌ی جامعه به شمار می‌آید. آن چه در اینجا مهم می‌نماید رعایت تناسب جزا و عمل است. اما اندازه و چگونگی پاداش و پادافراه قراردادی با توجه به میزان حسن و قبح اعمال و نیز دادگری حاکمان و کارگزاران متفاوت است. ولی به طور کلی برای هر رفتاری که بر خلاف ارزشها و هنجارها باشد کیفری است، همچنان که کردارهایی که در راستای ارزشها و تعالی بخشیدن به آن باشد، پاداش به دنبال دارد. بنابراین هر گاه در جامعه‌ی پاداش دهی بر کیفر و تنبیه فزونی داشته باشد، نشان از تربیت و پرودگی افراد و هم‌سوئی آنان با هنجارها می‌باشد. نکته اساسی در مورد این دسته پاداش و پادافراه آن است که به دلیل قراردادی بودن و نیز برای آنکه پرداخته‌ی ذهن بشر می‌باشد در هر زمان و مکانی معتبر نیست و گاهی درباره‌ی همه‌ی افراد به طور یکسان اجرا نمی‌شود. از این رو در پاره‌ی ای مواقع پاداش و پادافراه با کارهای انتسابی تناسبی ندارد.

۱-۱-۲- پاداش و پادافراه طبیعی

هر شایسته و ناشایستی به طور طبیعی در همین دنیا نتیجه و پیامدی منطقی به دنبال دارد که می‌توان آن را مکافات دنیوی نامید. این گونه مکافات بر اصل علت و معلول استوار است. بدین معنی که پاداش و پادافراه معلول و نتیجه‌ی کارهای نیک و بد آدمی است و البته این یک اصل اخلاقی اجتناب ناپذیر است زیرا هیچ معلولی از علت خویش تخلف نمی‌کند. در اینجا دیگر تناسب جزا و عمل مطرح نیست، زیرا این نوع پاداش و پادافراه ساخته و پرداخته‌ی اندیشه بشر نیست بلکه کاری ایزدی است که آدمی به یاری خرد و بر اساس آموزه‌های دینی خود نمود آن را در زندگی دریافته است و نخستین مکاتب فکری خود را بر پایه‌ی آن پی ریزی کرده است. بر اساس این اصل اخلاقی که قوام و دوام زندگی بدان بسته است هر کس بهره و پیامد کار خویش را در همین دنیا می‌یابد و برای همین است که مردم در پی هر پیشامد خوب یا بد نشانه‌ی ای از نیکی و بدی را در رفتارهای خود می‌جویند.

۱-۱-۳- پاداش و پادافراه اخروی

پاداش و پادافراه آن جهانی نه قراردادی است و نه بر قانون علت و معلول استوار است. در اینجا رابطه‌ی کارهای آدمی و پیامد آن بسی ژرف تر و نزدیک تر است، بدین صورت که آنچه در آخرت به انسان می‌رسد تجسم کردارهای خودش است. از این رو هنگامی که انسان از این جهان رخت بر می‌بندد، کردارهایش

از او جدا نمی‌شود و تنها صورت و ظاهر آن پاک می‌گردد و بخش آسمانی آن با وی همراه می‌شود تا آن گاه که در سرای دیگر به انسان می‌پیوندد. پس هر کس آنچه را که در این جهان کاشته است در سر منزل ابدی درو می‌کند و این لازمه‌ی داد آفریدگار است. نکته‌ی درخور توجه این است که دو نوع پاداش و پادافراه دیگر که از آن سخن گفتیم مربوط به این جهان است و در روند مکافات آن جهانی هیچ دخالتی ندارند یعنی نه چیزی از آن می‌کاهند و نه بر آن می‌افزایند. ضمن آنکه پاداش و پادافراه در سرای دیگر پایدار و سرمدی است.

۲-۱- پیشینه‌ی تحقیق

درباره مثنوی و شاهنامه کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. اما تا کنون پژوهش مستقل و همه‌جانبه در زمینه پاداش و پادافراه در شاهنامه و مثنوی به انجام نرسیده است و تنها پژوهش‌هایی پراکنده صورت پذیرفته است که بسیار ناکافی می‌نماید. در این میان قدم‌علی سرّامی در کتاب «از رنگ گل تا رنج خار» بیش از هر پژوهشگری به موضوع مکافات در شاهنامه پرداخته است. اگرچه کار او در این باره بسیار مجمل است. همچنین محمد علی اسلامی ندوشن در کتاب «زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه» اشاراتی گذرا به این مسئله کرده است. پژوهش‌هایی نیز در زمینه‌ی پاداش و پادافراه در مثنوی انجام شده است که قدیمترین آن «لب لباب مثنوی» اثر مولانا ملاحسین کاشفی است. همچنین جلال الدین همایی در کتاب «مولوی نامه» به این موضوع اشاراتی کرده است. اما با وجود ضرورت تحقیقی تطبیقی درباره‌ی پاداش و پادافراه در شعر و اندیشه‌ی فردوسی و مولانا، هیچ پژوهشی اعم از نشر کتاب و مقاله و یا پایان‌نامه در این مورد انجام نگرفته است. از این رو نیاز به پژوهشی همه‌جانبه در این زمینه نگارنده را به نگارش این پایان‌نامه برانگیخت.

۱-۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، بنیادی و به صورت توصیفی-تحلیلی است. پس از تصویب موضوع، فرایند تحقیق بدین گونه انجام پذیرفت که نخست با مطالعه‌ی کتاب‌ها و مقالات مختلف، دور نمایی که از موضوع وجود داشت، به ایده‌ای روشن و سامان یافته تبدیل گردید و همزمان از نوشته‌های مربوط به موضوع فیش برداری شد. مرحله‌ی بعد شامل مطالعه‌ی متن شاهنامه و فیش برداری از ابیات آن و سپس طبقه بندی فیش‌ها بود. اینکه شاهنامه بیش از مثنوی برای خواندن برگزیده شد به دلیل تقدم زمانی آن و تاثیر و نفوذ و اندیشه فردوسی در شعر مولانا است. پس از آن همین شیوه در مطالعه‌ی مثنوی ادامه یافت. در نگارش پایان‌نامه نیز بر اساس فیش‌ها و یادداشت‌های مربوط به موضوع و همچنین تحلیل‌های آن، نخست اندیشه فردوسی درباره پاداش و پادافراه بررسی شد. سپس به بررسی پاداش و پادافراه در مثنوی پرداخته شد. در پایان نیز کوشش شد تا با مقایسه دیدگاه دو شاعر نامی ایران، تفاوت‌ها و شباهت‌های اندیشه آن دو درباره پاداش و پادافراه نشان داده شود.

لازم به ذکر است که برای تدوین این پایان‌نامه در میان نسخه‌های گوناگون شاهنامه و مثنوی، از شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان و مثنوی معنوی به تصحیح رینولد نیکلسون با مقدمه‌ی عبدالحسین زرین کوب استفاده شده است.